روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰ • ۲۰ رمضان ۱۴۴۲ • ۳ می ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۹۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۲
اذان صبح فردا ۴:۳۵ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

آتش‌سوزی مهیب در کارخانه تولید الکل در شهرک صنعتی شکوهیه قم / عکس: محمد محسن‌زاده، میزان

زمین سبز

نعل را وارونه می‌زنند

سعید نبی
دارنده جایزه ملی محیط زیست

طرح تشکیل وزارتخانه‌های «انرژی، آب و محیط زیست» با تلفیق آب در وزارت «آب و محیط زیست» و برق در وزارت «انرژی» را در تاریخ سه‌شنبه، ۱۷ فروردین ۱۴۰۰ اعلام وصول کرده‌اند.

معتقدند رئیس سازمان محیط زیست در این سال‌ها خوب عمل نکرده، بخش‌های تحقیقاتی و قدرت عملکردی‌اش در نهاد ریاست‌جمهوری ضعیف شده و برخی اختیارات جامع او به شکل دستوری، منطقه‌ای و به استانداران واگذار و به زعم اهل فن به جای اینکه به او و بالادستی‌هایش یادآوری کنند وظیفه‌اش حفاظت از قانون اساسی و انفال عمومی است نه تهیه هر غذایی که به او امر می‌کنند تا به مزاجشان خوش بیاید، قصد دارند هویت این سازمان را زیرورو کنند.

شعارشان این است: تفکیک وظایف، نظارت بیشتر! و رویکردشان، جداسازی.

اما نظارت به چه بهایی؟ با تنزل جایگاه و رتبه ۱۹ معاونت ریاست‌جمهوری به رتبه ۱۸ وزارتی! طبق قانون، سازمان محیط زیست دستگاه حاکمیتی است که هم مرجع تحقیقاتی بوده و هم دارای وظایف خاص اجرائی است و این قدرت را دارد که به همه وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای ذی‌نفع در کشور منطبق بر اصل ۵۰ قانون اساسی با نظارت دستوراتی را ابلاغ و آنها را بازخواست کند که چرا هماهنگ با محیط زیست و توسعه پایدار عمل نمی‌کنند، مجلس هم توان استیضاحش را ندارد. البته عده‌ای هم معتقدند تفسیر این نظارت، فشار و لابی محکم‌تر برای برداشتن موانع ملاحظات محیط‌زیستی است که سد راه صرفا توسعه‌های شیلاتی، کشاورزی، سدسازی، صنعتی، نفتی، آبی و خاکی است؛ آن‌هم به دست وزیری که هم آمدنش در اختیار رأی آنها باشد و هم استیضاحش.

البته هنوز سخنان رؤسای جمهور و معاونان آنها را در گذشته فراموش نکرده‌ایم که در فصل بودجه، لابی‌های توسعه‌ای چگونه عمل می‌کنند و نمایندگان برای توسعه عمرانی، اقتصادی شهرستان، شهر و استان‌هایشان چگونه!

این نمایندگان در کمیسیون‌های صنایع و انرژی مجلس با شعار انقلاب اقتصادی ۱۴۰۰ وارد این گود شده‌اند و جالب‌تر اینکه دایه‌ای بهتر از مادر برای محیط‌زیستی بحرانی که مصیبت‌های امروزش همچون ریزگرد، کم‌آبی، آلودگی‌ها و... حاصل عملکرد دیروز ماست؛ آن‌هم با متولی‌ای به نام سازمان محیط زیست که احتمالا سال‌هاست نه در حقش برادری می‌کند و نه مادری که اگر می‌کرد و به زعم کارشناسان کلید بقای خود را در تبدیل‌شدن به ماشین امضای توسعه‌گران صرف اقتصادی نمی‌دید و طرفداران توسعه‌گرای اقتصادی و صنعتی با بیشترین فشار به منابع طبیعی به خود اجازه نمی‌دادند این‌گونه عمل کرده و مسیر عبور از بحران تحریم و خوداتکایی را طوری ترسیم کنند که تئوریسین‌های اقتصادی به‌ظاهر همفکرشان، سازمان جنگل‌ها، مراتع و منابع طبیعی را مانعی برای رشد اقتصادی و امنیت غذایی در کشور ببینند و حجت‌الله عبدالملکی اعلام کند در انقلاب اقتصادی ۱۴۰۰ تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی آزاد و در اختیار مالک خواهد بود؛ یعنی مالک زمین کشاورزی می‌تواند روی زمینش فعالیت صنعتی، دامپروری، پرورش طیور و ماهی و حتی ساخت‌وساز کند با این توجیه که به ازای هر یک درصد تغییر زمین کشاورزی به صنعت، دامپروری یا ساخت‌وساز، ۱۲ میلیون شغل جدید ایجاد خواهد شد و قاطعانه و صریح برخلاف نظر رئیس قوه قضائیه که همواره درباره برخورد قاطع با تغییر کاربری اراضی زراعی و ضرورت ایجاد رویه واحد جهت اجرای مقررات ماده ۱۰ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها تأکید داشته، بگوید مهم‌ترین نیازمندی برای انقلاب اقتصادی ۱۴۰۰، تغییر نگرش‌ها و خارج‌شدن از کلیشه‌های فکری معیوب است.

همچنین فراموش کند مهم‌ترین دلیل خشک‌شدن دریاچه ارومیه و وقوع توفان‌های نمک در این منطقه را که افزایش وسعت زمین‌های کشاورزی از حدود ۳۲۰ هزار به ۶۸۰ هزار هکتار بود؛ آن‌هم با متوسط مصرف آب هر هکتار ۱۰ هزار مترمکعب که فشاری مازاد حدود ۳.۶ میلیارد مترمکعب به این حوزه وارد کرد و سدسازان را ثروتمند و مردم را دربه‌در.

اما همه این مباحث یک طرف، اینکه به نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس، به این طرح توجهی نمی‌شود، جای تأمل دارد. نظری که این‌گونه منتشر شده است: «با توجه به شرایط کشور و بخش‌های آب و محیط زیست، به نظر می‌رسد طرح تشکیل وزارتخانه‌های انرژی و آب و محیط زیست دارای نقاط ضعف و تهدیدهای مهم‌تری نسبت به نقاط قوت و فرصت‌های آن است و لذا تصویب آن توصیه نمی‌شود؛ چراکه خلط امور حاکمیتی (تأکید بر وظایف حاکمیتی سازمان حفاظت محیط زیست و تصدی‌گری و بهره‌بردارانه‌بودن وظایف وزارت نیرو و سازمان جنگل‌ها)، مناسب‌نبودن شرایط کشور برای پذیرش تغییر ساختار مذکور، ایجاد تضاد منافع و اهداف و مأموریت‌های غیرهمسو در یک دستگاه، افزایش پتانسیل عدم توجه به سایر ارکان محیط زیست شامل خاک، هوا و موجودات زنده، کم‌رنگ‌شدن مرز بین نظارت و اجرا، عدم تعیین تکلیف برای بخش‌های مرتبط با آب تحت مدیریت وزارت جهاد کشاورزی، گستردگی و چندوجهی‌بودن وزارت آب و محیط زیست، ابهام در ساختار درونی دستگاه جدید و شرح وظایف درون‌سازمانی و آثار بسیار گسترده و جبران‌ناپذیر در صورت وقوع سوءمدیریت در دستگاه جدید».

آزموده را آزمودن خطاست. در کشورهای اروپایی تا اواخر قرن ۱۹ وزارتخانه‌های کشاورزی که با موضوعاتی همچون کمبود مواد غذایی و... دست‌وپنجه نرم می‌کردند، به تخریب جنگل‌ها و تبدیل آنها به زمین کشاورزی روی آوردند تا برای مردم غذا و برای حکومت‌ها امنیت غذایی تولید کنند، اما حاصل این تفکر، وقوع سیل‌های وسیع شد و فرسایش و رانش زمین و توفان‌های گردوغبار و آلودگی هوای سرطان‌زا تا اینکه سر عقل آمدند و امور اصلاح شد؛ آن‌هم با جنگل‌های دست‌کاشت و تالاب‌های دست‌ساز و... . خودکرده را تدبیر نیست. فعلا چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۰، خبر آمد که فراکسیون محیط زیست همین مجلس رسما به مخالفان جدی این طرح پیوسته و تشکیل چنین وزارتخانه‌ای را به‌مثابه تیر خلاص بر پیکر نحیف محیط زیست کشور دانسته است.

آکادمی

راستی چرا؟

بابک زمانی
نورولوژیست

بی‌تردید موج چهارم بیماری کووید-۱۹ که الان در حال عبور از آن هستیم، بی‌مقدمه یا تنها به دلیل بی‌احتیاطی‌های بلافاصله قبل از آن پدید نیامده و زمینه‌های مادی و اجتماعی مهمی داشته است. به‌همین‌دلیل رهایی از موج‌های پنجم و ششم و... در آینده، نیازمند توجه و دقت به همین زمینه‌هاست.

اول از همه باید گفت نوعی ناباوری به بنیادهای دانش در میان ما وجود داشت. به‌علاوه ضریب اطمینان برای بحران را در حدود بسیار پایینی تعریف کرده بودیم. در حوزه پزشکی زمانی که خطر مرگ یا سکته از دو، سه درصد در سال بالاتر باشد، خطر بسیار بزرگی است. اگر جدیت بحران به‌درستی درک می‌شد، شاید بخش مهمی از منابع مالی کشور برای موضوعی که بی‌تردید امنیت ملی ما را تهدید می‌کرد، هزینه می‌شد. اگر وزارت بهداشت و دولت خطیربودن اوضاع را آن‌طور که بایدوشاید درک می‌کردند و به مردم و صاحبان نیروهای مختلف کشور پیامی جدی می‌رساندند، اگر مسئولیت دردناک طبیب را مثل زمانی که فرمان می‌دهد «خانه محقرت را بفروش خرج درمان فرزند کن» درمی‌یافتند و انجام می‌دادند، شاید بسیاری از سرمایه‌های کشور- چه آنها که در دست دولت است و چه آنها که در دست توانمندان گوناگون و ثروتمندان است- آزاد می‌شد و مبنای اقتصادی مناسبی برای اجرای قرنطینه‌ها با پرداخت به مردم فراهم می‌آمد. بی‌تردید چنین پیام و چنین اهتمام دولتی‌ای خود موجد انضباطی خودجوش در تمام ارکان جامعه می‌شد و بیان آشکار مشکلات و درخواست از ملت از سوی دولت را مقدور می‌کرد. دولت و دولت‌مدارانی که تنها بر عقل و واقعیات تکیه می‌کردند؛ اما برعکس وقتی به طور رسمی درباره نقش طب سنتی یا ایرانی در درمان کرونا صحبت می‌شود، وقتی دستورالعمل سنتی برای کرونا چاپ می‌شود، وقتی بخشی از توان جامعه پزشکی درگیر مقابله با «زالو» و «روغن بنفشه» می‌شود، وقتی بدون توجه به امکانات و مشکلات کشور نوید الگوی جهانی‌شدن داده می‌شود، وقتی درباره ضرورت و اجتناب‌ناپذیری واکسیناسیون سرتاسری شک و تردید مطرح می‌شود، بی‌گمان تمام امکانات کشور صرف این معضل ملی نخواهد شد و به طور قطع انسجام نیروها در جهت مقابله با بیماری کووید به خطر خواهد افتاد. باید پرسید راستی چرا؟ چرا به این بدیهیات نه‌تنها توجه و تأکید نشد؛ بلکه تا همین امروز هم طنز تلخ منظومه خطاها ادامه پیدا کرده‌اند؟ برای مثال معلوم نیست درحالی‌که کشور و مردم در بحران همه‌گیری به سر می‌برند و همه در وحشت آینده‌ای نامعلوم قرار دارند، تصویب قانونی برای ممانعت از غربالگری حاملگی چه محلی از اعراب دارد؟ تولد نوزادانی را که بالقوه ممکن است نوعی آنومالی جنینی داشته باشند، کجای بحران کرونا باید گذاشت؟ راستی چرا؟ چرا ناگهان دستور می‌رسد که ارسال نمونه‌های خون بیماران به خارج از کشور ممنوع است؟ دستوردهنده تنها کسی است که باید بداند؛ اما نمی‌داند که در آزمایش‌های مربوط به بسیاری از بیماری‌های خطرناک که نیازمند جراحی‌ها و درمان‌های سنگین و پرخطر هستند، آزمایشگاه‌های کشور یا قادر نیستند یا قابل اعتماد نیستند. این مشاهده بسیاری از متخصصان داخلی در رشته‌های مختلف است؛ اما سؤال این است که چرا در اوج کرونا؟ راستی چرا؟ راستی چرا ناگهان داروهای برند و شناخته‌شده بین‌المللی نایاب می‌شوند و داروهایی با نامی شبیه به همان داروها- که ماده مؤثره همان‌طور ادعا می‌شود- تمام داروخانه‌ها را پر می‌کند؟ «دپا...» تبدیل به «رها...» می‌شود و «تگر...» تبدیل به «تگا...» و...! بیماران که سال‌هاست به داروی قدیمی خود عادت کرده‌اند، راه‌ها و داروخانه‌های بالقوه خطرناک را با گام‌های کند و نفس‌های بند می‌پیمایند و پیدا نمی‌کنند. پزشکان هم نمی‌دانند پاسخ این سؤال که «آیا این همان است؟» را چطور باید بدهند. مطالعه‌ای درباره مقایسه اینها وجود ندارد. راستی چرا؟ چرا باید در بحران کرونا چنین دغدغه‌ای را هم که پیش‌تر وجود نداشت، بر دل‌های پردغدغه افزود؟ در مثالی دیگر اغلب متخصصان مغز و اعصاب در حال دست‌وپازدن و درمان بیماران سکته مغزی در فضاهای تنگ و کرونایی بیمارستان‌ها هستند (که تا پیش از کرونا هم در تنگدستی مفرط قرار داشتند) که ناگهان دستور می‌آید متخصصان داخلی و برخی تخصص‌های دیگر هم می‌توانند سکته مغزی حاد را درمان کنند. حال آنکه خود این تخصص‌ها هم بنا بر کاریکولوم آموزشی‌شان چنین کاری نمی‌کنند هیچ، تمایلی هم به این کار دشوار و بی‌منت ندارند. و اساسا سند درمان سکته مغزی کشور هم بر این امر بدیهی که سکته جزء بیماری‌های مغز و اعصاب و از وظایف دشوار این متخصصان است، صحه گذاشته و این درمان توسط سایر متخصصانی که خودشان هم نمی‌پذیرند نه یک موضوع صنفی مغز و اعصاب بلکه خطری در برابر درمان سکته مغزی است. باز هم درمی‌مانی که راستی چرا؟ راستی چرا؟ آن هم در اوج کرونا؟

زنان

کارگاه پیشرفته نویسندگی با نویسندگان زن

به روایت نویسنده

دوره پیشرفته کارگاه «به روایت نویسنده» با حضور چهار نویسنده زن، در مؤسسه «هنر فردا» برگزار می‌شود. در این دوره که با هدف آشنایی با شیوه‌ها و تکنیک‌های داستان‌نویسی شکل گرفته، چهار نویسنده زن به بررسی اصول داستان خواهند پرداخت. فرشته مولوی، میترا الیاتی، بهناز علیپورگسکری و فرشته احمدی از مدرسان این دوره هستند. این کارگاه در ۱۶ جلسه دوساعته تشکیل می‌شود و هر نویسنده در چهار جلسه، به صورت آنلاین حضور خواهد داشت. در این کارگاه، فرشته مولوی از دیدگاه، راوی و آغاز و پایان داستان سخن خواهد گفت. میترا الیاتی به تفاوت‌های گفتار و نوشتار و ساختار در زبان داستان، نقش و کارکردهای زبان در ادبیات داستانی مدرن و دیالوگ‌نویسی در ادبیات داستانی خواهد پرداخت. نقش و اهمیت شخصیت، روایت‌شناسی داستان (نقل و نمایش)، بررسی زاویه دید و انواع راوی نیز از سرفصل‌های کارگاه بهناز علیپورگسکری است. فرشته احمدی نیز به بررسی جهان‌بینی مستتر در متن داستان‌ها می‌پردازد و اهمیت ناخودآگاه و پیام‌های پنهان در متن را بررسی خواهد کرد. فرشته مولوی در سال ۱۳۷۷ به کانادا مهاجرت کرد و پیش از آن در کتابخانه ملی به کار پژوهشی مشغول بود. او به مدت دو سال در «کتابخانه استرلینگ» دانشگاه ییل آمریکا، به‌عنوان کتاب‌شناس و کتاب‌دار فارسی برای بخش خاورمیانه کتابخانه مرکزی مجموعه‌سازی می‌کرد. چندسالی نیز در تورنتو به تدریس ادبیات و زبان پرداخت. «خانه ابر و باد»، «حالا کی بنفشه می‌کاری»، «زرد خاکستری» و «از نوشتن» از آثار او هستند. رمان «دو پرده فصل» (۱۳۸۸) او لوح تقدیر «مهرگان ادب» را دریافت کرده است.

میترا الیاتی اولین مجموعه‌داستانش، «مادمازل کتی و چند داستان دیگر» را در سال ۱۳۸۰ منتشر کرد. این کتاب جایزه اولین مجموعه‌داستان سال ۸۱ «بنیاد گلشیری» و جایزه کتاب سال «خانه داستان» را از آن خود کرد. دومین مجموعه‌داستان او، «کافه پری دریایی» سال ۷۸ منتشر شد. بهناز علیپورگسکری دانش‌آموخته دکترای تخصصی ادبیات تطبیقی است. اولین مجموعه‌داستان او، «بگذریم...» برنده جایزه مهرگان ادب، جایزه ادبی یلدا و جایزه پروین اعتصامی شد. مجموعه داستان «بماند...» او نیز جایزه مهرگان ادب را به دست آورد. فرشته احمدی اولین مجموعه‌داستان خود «سارای» را در سال ۸۳ منتشر کرد که داستان «تلویزیون» از این مجموعه برگزیده جایزه هوشنگ گلشیری شد. نخستین رمان او «پری فراموشی» نیز تندیس کتاب برگزیده کتاب‌فروشان را در جایزه روزی روزگاری در سال ۱۳۸۸ دریافت کرد. از دیگر آثار او می‌توان به «جنگل پنیر»، «گرمازدگی» و «هیولاهای خانگی» اشاره کرد.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر یا انجام ثبت‌نام می‌توانند با شماره ۰۲۱۸۸۸۸۱۰۹۲ یا نشانی اینترنتی http://arttomorrow.org مراجعه کنند.

روزها

باید جهان بهتری خلق کرد

بابک اوجاقی

• وضعیت زیست ما در عصر سرمایه چنان عجیب و پیچیده شده که حتی فکر درباره ابعاد استثمار و استعمار انسان را گیج می‌کند. اینکه تمامی سویه‌های زندگی انسان‌ها در گرداب زیست روزمره که چیزی نیست جز کار و مصرف مستمر خلاصه شده. اینکه قرارداد اجتماعی با ابزار ناپیدای محدودیت چنان ما را در بر گرفته که حتی امکان تفکر به وضعیتی به جز وضعیت کنونی را نداریم. اینکه موفقیت، کار، ارزش، هدف و غایتِ زیست ما پیوندی عمیق با پول به مثابه امری انتزاعی دارد. اینکه قسط و وام، ماشین، خانه، آیفون و سفر انگیزه زیست انسان شده و این انگیزه صرفا در قالب کار و ورود به بازار سرمایه ممکن است. اینکه تخطی از قوانین با ابزار ناپیدای محدودیت اجتماعی و بدون دخالت هیچ عامل فیزیکی، عواقبی ترسناک در پی دارد. اینکه کارکردن و پول درآوردن ربطی وثیق با وجدان و آرامش انسان‌ها پیدا کرده و گویی تنها راه آرامش خیال و رهایی از عذاب وجدانِ بیکاره و علاف‌بودن تن‌دادن به قواعد مسلط کار واقّعا موجود است و... همه نشان آن است که وضعیت، وضعیتی پیچیده و دشوار است. وضعیتی که در آن بحران با کمک میل «خواستن» در انسان مدام به تعویق می‌افتد و هم‌زمان کوچک‌ترین وقفه در فرایند ارضای میل چنان گسیختگی‌ای در ذهن و عین انسان-کارگر به وجود می‌آورد که ناگاه حیران و سرگشته خود را در میان بازی‌ای دهشتناک می‌یابد که راه خروجی هم از آن وجود ندارد. مارکس زمانی پیش‌بینی کرده بود انسان‌ها درنهایت ناگزیر می‌شوند تا با شرایط واقعی زندگی و مناسبات خود با هم‌نوعانشان، رودررو شوند. در طول سال گذشته کرونا و وضعیت ماخولیایی برآمده از آن، در کنار اثبات پوچی تمام ادعاهای سرمایه‌دارانه- لیبرالی درباره انسان‌گرایی و حقوق بشر _که خود را در ماجرای واکسن به خوبی نشان داد_ و نیز اثبات بیش‌ازپیش تبعیض و ظلم نظام‌مند در نظام جهانی که خود را در شیوه و مدل تقسیم امکانات پزشکی و اقتصادی در طول بحران کرونا عیان کرد، به بسیاری فهماند که از قضا آنچه خود را قالب جهانی آرام و رو به پیشرفت و موفقیت نشان می‌داد، چندان و چه بسا اصلا واقعی نیست. شرکت‌های چندملیتی که روح و عصاره جان کارگر، مهندس، کارمند متخصص خود را با طلب کار مدام می‌بلعند و در انتهای هر سال برای ما آمار، عدد و ارقام سودهای چندده‌میلیاردی خود را منتشر می‌کنند در کنار دولت‌های بزرگ و کوچک که اعداد رشد اقتصادهای ملی را به‌عنوان فتح و ظفر در چشم شهروندان خود فرو می‌کنند، حتی برای یک‌سال از پس ارضای نیازهای اولیه شهروندان و کارمندان و کارگران خود برنیامدند. تمامی شعارهای زیبا درباره تلاش، موفقیت، کار و هدف با یک پاندمی چنان پوچ و بی‌معنی جلوه کردند که راهی جز یأس و سرخوردگی برای باورمندان به آن باقی نماند. توگویی تمامی تلاش‌ها و کارکردن‌ها، تمامی پول درآوردن‌ها و خریدکردن‌ها، تمامی قسط‌دادن‌ها، همه تلاش‌های جسمی و ذهنی برای موفقیت در چارچوب نظم موجود، بیهوده بوده است. کرونا برای آنان که فکر کردند و به اجبار با شرایط واقعی زیست مواجه شدند، یک بیدارباش هولناک بود. ویرانی روانی تنها بخشی از تأثیرات این بیداری است. ویرانی‌ای که اگر با تفکر و عمل همراه نشود، بعد از مدتی کوتاه و با سازوکارهای مستمرا درحال بازسازی و جایگزینی تولید معنا ذیل نظام جهانی موجود به فراموشی سپرده می‌شود. در انتها باز به مارکس ارجاع می‌دهم. مارکس در آخرین جمله مانیفست کمونیست می‌نویسد: «کارگران جهان متحد شوید، شما چیزی برای ازدست‌دادن ندارید جز زنجیرهایتان». امروز مخاطبان جمله مارکس فقط طبقه کارگر صنعتی نیست. امروز همه ما، همه متخصصین، مهندسان، پزشکان، کارمندان و دانشجویان، زنان خانه‌دار و کشاورز، روزنامه‌نگاران، همه آنچه طبقه متوسط شهری می‌نامیم، مصداق این جمله مارکس هستیم. همه ما کارگران سرکوب‌شده، مورد ظلم قرارگرفته و استثمارشده‌ای هستیم که جز در راه خدمت به سرمایه گام برنمی‌داریم. ما با کارکردن در قالب نظم موجود خود را اسیر وضعیتی کردیم که جز با ما امکان دوام نخواهد داشت و این عدم امکان مدام از ما پنهان شده است. باید فهمید و بر سر این فهم ایستاد که معیار، هدف و غایت زیست درست در زمانه ما نیازمند تغییری جدی است و این تغییر جز از خلال یادآوری مدام و مستمر این نکته، هدف، آرمان یا هر اسم دیگری که بر آن می‌گذاریم، ممکن نیست؛ می‌توان و باید جهان بهتری خلق کرد.

اتفاق

یورونیوز: وین تت ئو، قهرمان شنای آزاد میانمار، قصد دارد در اعتراض به کودتای نظامی در المپیک شرکت نکند. او می‌گوید شرکت در بازی‌های المپیک توکیو زیر پرچم کشورش نوعی تبلیغ برای حکومت نظامی حاکم محسوب می‌شود. تت ئو گفت که نمی‌خواهد در رژه افتتاحیه زیر پرچم آغشته به خون مردم کشورش قرار گیرد.

مهر: المپیا دوکاکیس، بازیگر تحسین‌شده که بیش از همه برای ایفای نقش در فیلم «ماه‌زده» شناخته می‌شد و برای ایفای این نقش برنده اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل شده بود، در ۸۹سالگی درگذشت. در آن فیلم او نقش یک شخصیت فوق‌العاده کمیک را بازی کرد که «شِر»، خواننده سرشناس در نقش دختر او بازی کرده بود.

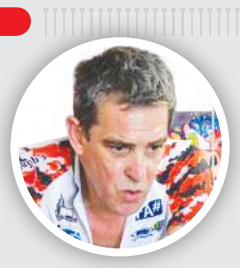

دویچه‌وله: پاسکال پیچ، ورزشکار رشته سه‌گانه، توانست رکورد جدیدی در رکاب‌زدن ثبت کند. او فاصله بین پاریس تا شهری در استان وراکروز مکزیک را در ۲۳ روز طی کرد؛ البته بدون آنکه مقررات کرونایی را زیر پا بگذارد و از اتاقش خارج شود! او این رکورد را روی دوچرخه ثابت در خانه‌اش ثبت کرد.

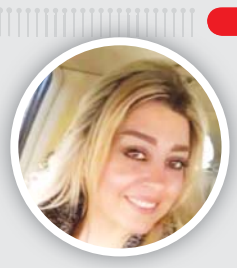

بی‌بی‌سی: فاتن علی نهار، اولین زنی است که برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری سوریه ثبت‌نام کرد. تاکنون دست‌کم چهار زن دیگر هم برای کاندیداتوری اقدام کرده‌اند. نهار که سال ۱۹۷۱ در بلندی‌های جولان به دنیا آمده و از ۲۰۰۹ به‌عنوان وکیل فعالیت می‌کند، دختر علی نهار، ژنرال بازنشسته ارتش است و عضو هیچ حزب سیاسی نیست.

یورونیوز: آدام بودنار، مسئول نظارت بر رعایت حقوق بشر در لهستان، ضمن انتقاد از واکنش‌های دیرهنگام اتحادیه اروپا به نقض حکومت قانون در کشورش، هشدار داد که خطر تبدیل لهستان به کشوری با نظام سیاسی «غیردموکراتیک» وجود دارد. مدافعان حقوق بشر بارها از اصلاحات قضائی و سطح آزادی رسانه‌ها انتقاد کرده‌اند.

بی‌بی‌سی: مالکیت عکس اصلی میم اینترنتی «دختر بلا» در قالب یک رمزنشان بی‌همتا (NFT) به بهای نیم‌میلیون دلار فروخته شد. زویی راث، زن جوان ۲۱ساله‌ای است که عکسش در چهارسالگی به یک پدیده اینترنتی تبدیل شده بود. این عکس به شکلکی اینترنتی تبدیل شده که برای نشان‌دادن موقعیت بلا و فاجعه یا رفتار شیطنت‌آمیز استفاده می‌شود.